



تجارب مشاورهای

نیاز آدمی به انسان‌های خردمند و بابصیرت که او را راهنما و مشاور باشند، نیازی دائمی است. بدین منظور، آموزش و پرورش در سال‌های اخیر دو فراخوان بزرگ کشوری تجرب راهنمایی و مشاورهای معلمان را در سطوح مختلف برای جلب مشارکت دبیران، مشاوران و مدیران در پاسخگویی به نیازهای راهنمایی و مشاورهای دانش‌آموزان به مرحله اجرا گذاشته است. طی این فراخوان، نزدیک به هفت هزار تجربه همکاران گرامی به دبیرخانه آن رسید و پس از بررسی آثار و داوری آن‌ها تعدادی از این تجرب و مقالات در مجموعه‌ای گردآوری شد. در این شماره مجله، تعدادی از این مقالات و تجربه‌ها را به شما تقدیم می‌کنیم و امیدواریم این مکتوبات راهگشای همکاران برای مشاوره در مدارس باشد.

- ۱ / راهبرد بهبود فرایند راهنمایی و مشاوره در مدارس / ۱۵
 - ۲ / چگونه افسردگی دانش‌آموزم را کاهش دادم / ۲۱
 - ۳ / مشکل عاطفی پرستو / ۲۵
 - ۴ / کاهش اضطراب امتحان در زهرا / ۲۸
 - ۵ / تأثیر تئاتر درمانی در کاهش اضطراب / ۳۱
- 

راهبرد بهبود فرایند راهنمایی و مشاوره در مدرسه

دکتر منوچهر فضلی‌خانی

مقدمه

قبل از تفکر در بارهٔ مدرسه و نظام آموزش و پرورش باید به این مسئله توجه نمود که «مدرسه کجاست و چه وظایفی دارد». این سؤال چشم‌انداز و مقصد حرکت را مشخص می‌سازد. لذا، فرایندها و اقدامات نیل به چنین هدفی نیز تابعی از پاسخ سؤال فوق خواهد بود.

اگر آموزش و پرورش و مدرسه را خاستگاه و تجلیگاه علم و دانش، اخلاق و کردار و مهارت‌های زندگی بدانیم و چنین وظیفهٔ راهبردی‌ای برای آن تصور کنیم، آنگاه سؤال و مسئلهٔ دیگر این خواهد بود که با چه فرایندها و سازوکارهایی چنین مأموریت و وظیفه‌ای را می‌توان از مدرسه انتظار داشت؟

دانش‌آموزان تربیت‌شده در مدارس باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند؟ آیا اگر تنها مفاهیم و دانش‌های

حافظه‌ای را بدانند کافی است یا اینکه باید به نگرش و باورهای همچون شناخت خود، شناخت خدا، عبادت خدا و توانایی‌هایی چون مهارت‌های حل مسئله، تصمیم‌گیری، یادگیری دانش، تعامل اجتماعی و ... دست پیدا کنند. یکی از فرایندهای کیفیت‌ساز در مدرسه، فرایند راهنمایی و مشاوره است. به زبان دیگر، رشد اندیشه و تفکر انسان‌ها بر هدایت و راهنمایی استوار است و مدارس این مهم را به عهده دارند. تبلور «رویکرد راهنمایی» در نخستین طلیعهٔ آیات کتاب وحی تجلی یافته است که «ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین». بر همین اساس، در تمام مؤلفه‌ها و فرایندهای درون مدرسه باید رویکرد راهنمایی و هدایت وجود داشته باشد. در مدرسه مدیران، معلمان و همهٔ عوامل انسانی در جهت راهنمایی و هدایت

تحصیلی دانش‌آموزان فعالیت می‌کنند. فرض بر این است که دانش‌آموزان توانایی‌ها و ظرفیت‌های زیادی دارند که ما باید زمینه و بستر را برای رشد آن‌ها فراهم کنیم و مراقبت نماییم تا براساس تفکر و تجربه به یافته‌های جدید دست پیدا کنند. این باور نیازمند یک نظام مشاوره‌ای مطلوب است و اگر این فرایند در مدارس دچار مشکل باشد، ما در نیل به اهداف فوق موفق نخواهیم بود.

امروزه یکی از مهارت‌های اساسی معلمان، مهارت‌های راهنمایی و مشاوره‌ای است؛ یعنی آنان باید صلاحیت‌های کافی جهت ایجاد بسترهای مناسب برای رشد را داشته باشند، محیط را بسازند تا دانش‌آموزان را شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان را تسهیل کنند. لذا معلمان رکن اصلی مشاوره و راهنمایی هستند و بهترین موقعیت را برای این امر دارند.

تعاریف

✓ انجمن مشاوران انگلیسی ۱۹۹۱: «مشاوره، بهره‌گیری از رابطه‌ای اصولی و ماهرانه برای تسهیل خودشناسی، قابلیت پذیرش، رشد عاطفی و رشد مطلوب توانایی‌های فردی است.»

✓ شر تزرواستون: «راهنمایی جریانی است که فرد را در شناخت خود و محیط پیرامونش یاری می‌دهد.»

✓ پاترسون: «راهنمایی کمک منظم به فرد است تا بتواند توانایی‌ها و محدودیت‌های خود را بشناسد، رفتارش را متعادل سازد، در حل مشکلاتش توفیق یابد، تصمیم مناسبی در زمینه تحصیلی و شغلی بگیرد و در نهایت، به حداکثر رشد و کمال برسد.»

نظر برخی دانشمندان مشاوره درباره صلاحیت معلمان برای مشاوره، راهنمایی:

الف: مک لاگین ۱۹۹۹

«معلمان برای کمک به دانش‌آموزان جهت رشد اجتماعی - عاطفی بهترین موقعیت را دارند.» آنان طی یک دوره طولانی با دانش‌آموزان در تعامل هستند و همواره آنان را زیر نظر دارند و رفتارهایشان را مشاهده می‌کنند، مشاهده، اولین گام برای فعالیت راهنمایی و مشاوره است و این موقعیت برای معلمان بیش از هر فرد دیگری در مدرسه مهیاست.

ب: آریو کل

معلم نزدیکترین فرد به دانش‌آموز است و او را بهتر از هر کسی می‌شناسد و تنها فردی است که می‌تواند به‌طور مستمر، مؤثر و مفید باشد؛ بنابراین، «هر معلم یک مشاور است». در فرایند مشاوره و راهنمایی، تعامل

امروزه یکی از مهارت‌های اساسی معلمان، مهارت‌های راهنمایی و مشاوره‌ای است؛ یعنی آنان باید صلاحیت‌های کافی جهت ایجاد بسترهای مناسب برای رشد را داشته باشند

و نزدیکی مشاور و مراجعه‌کننده اصل مهمی است و لذا معلم در مقام راهنما بیشترین تأثیرگذاری را دارد.

ج: گیل کینگ

«در حال حاضر، بر تجهیز معلمان به مبانی مهارت‌های مشاوره تأکید می‌شود.» از دیدگاه او، تجهیز معلمان یعنی احیاء نقش مشاوره‌ای و تقویت مهارت‌های آنان حائز اهمیت است و بهترین راه برای ارتقاء فرایند راهنمایی و مشاوره در مدارس، تقویت مهارت‌های معلمان می‌باشد.

د: مک کوئیز ۱۹۹۸

«معلمان برای انجام وظایف هدایتی خود و ایفای نقش در تعلیم و تربیت فردی و اجتماعی، به آموختن مهارت‌های اساسی مشاوره نیاز دارند.»

مهارت‌های اساسی مشاوره چیست؟ آیا یک فعالیت تخصصی است؟

مهارت‌های اساسی مشاوره شامل پرورش بنیان‌های فکری و شخصیتی خاص است که زمینه را برای مشاوره‌های تخصصی فراهم می‌سازد.

برای مثال، پرورش بعد اجتماعی افراد از ابتلای آن‌ها به مرض کمروبی و خجالتی

بودن جلوگیری می‌کند؛ نشاط و طراوت کلاس درس مانع افسردگی و اضطراب فراگیرندگان می‌شود و فعالیت‌های گروهی به رشد هوش بین فردی و هیجانی منجر می‌گردد.

مشورت گرفتن از دانش‌آموزان در جریان تدریس موجب ارتقاء اعتماد به نفس می‌شود. مشارکت دادن دانش‌آموزان و واگذاری وظایف به آنان، موجب شکل‌گیری و تقویت حس مسئولیت‌پذیری‌شان می‌شود و مدیریت و تدریس مشارکتی به تقویت خلاقیت و مهارت‌های ارتباطی می‌انجامد. فعالیت‌های یاد شده به‌نوعی با مشاوره و راهنمایی مرتبط‌اند؛ زیرا نامساعد بودن محیط کلاس و تدریس، در آینده ناهنجاری‌هایی ایجاد خواهد کرد و در پی آن بایستی فعالیت‌های مشاوره‌ای تخصصی و درمانی انجام گیرد.

هـ - اریکسون

وی معتقد است که دانش‌آموزان علاقه‌مندند پاسخ دو سؤال را بدانند.

۱. من کیستم؟ (چه توانایی‌ها و علایقی دارم)

۲. چه کاره می‌توانم بشوم؟

بنابراین، مدارس و معلمان دو وظیفه اصلی دارند:

الف. کمک به دانش‌آموزان برای شناخت توانایی، علایق و قابلیت‌های خویش؛

ب. هدایت و راهنمایی آن‌ها جهت تقویت و توسعه توانایی‌ها و قابلیت‌هایشان.

اگر نظام آموزش و پرورش بخواهد موفق باشد، باید این دو دغدغه و سؤال فراگیرندگان را جدی بگیرد. به نظر نگارنده مقاله، کلیه فعالیت‌های مدارس باید در جهت انجام دو وظیفه فوق حرکت کنند. تمام دروس، فرایندهای تدریس و مدیریت مدارس باید در جهت شناساندن توانایی‌های دانش‌آموزان و



«هر معلم یک مشاور است». در فرایند مشاوره و راهنمایی، تعامل و نزدیکی مشاور و مراجعه کننده اصل مهمی است و لذا معلم در مقام راهنما بیشترین تأثیرگذاری را دارد

کلاس درس حاکم باشد. براساس تحقیقات انجام شده، در چنین فضایی امکان نوآوری و خلاقیت برای مربیان فراهم می شود. معلمان باید به جای ارائه همه جانبه معلومات، علایق همه جانبه را در دانش آموزان توسعه دهند و این امر مهم در محیطی سرشار از محبت و نشاط تحقق می یابد.

۴. تفکر مستندگویی (گفتار و نوشتار)
دانش آموزان باید عادت کنند که برای ارائه و بیان هر گونه اطلاعات (مفاهیم - فرضیه ها و تجارب و ...) با استناد بر منابع عمل نمایند و معلمان نیز فرهنگ مستندگویی را در دانش آموزان توسعه دهند. متأسفانه عملکرد نادرست نظام آموزشی موجب شده است که افراد جامعه بدون توجه به پژوهش و تجارب علمی دیگران نسبت به هر پدیده ای اظهارنظر می کنند و یافته های ناقص و غیرعلمی خویش را به عنوان یافته علمی تعمیم می دهند.

مدارس وظیفه دارند برای بسترسازی و رشد روحیه مسئله محوری و پژوهش مداری و مستندگویی تلاش کنند. یکی از نقش های اساسی و کلیدی معلمان در قرن ۲۱ به کارگیری این مهارت ها است.

۵. فرایندمحوری به جای فراورده نگری

کیفیت یادگیری متأثر از عواملی است که مهم ترین آن ها دامنه فرایندهاست. لذا برای

یک فرایند است. اگر دانستن و مغز یک فرایند باشند، نظام یاددهی - یادگیری باید چگونه باشد؟
چه رویکردی باید حاکم بر فرایندهای آموزشی باشد؟

تنها روش های فعال، اکتشافی و مشارکتی هستند که بسترها و ظرفیت های دستیابی به دو موضوع فوق را فراهم می کنند.

مهم ترین مهارت های معلمان برای راهنمایی و ارتقاء آن

۱. مهارت ارتباط دادن به منابع

در عصر ارتباطات و فناوری اطلاعات یکی از مهم ترین صلاحیت های معلمان، مرتبط کردن مفاهیم درس به منابع و مراجع خارج از کلاس و مدرسه است. دانش آموزان برای دستیابی به مهارت های ارتباطی و پژوهشی و برای یافتن اطلاعات و تکمیل یادگیری باید به مراکز و منابع اطلاعات علمی و آموزشی رجوع کنند. این اقدام روحیه جست و جوی و پژوهش را در آنان توسعه می دهد.

۲. بسترسازی برای ایجاد سؤال در ذهن دانش آموزان

رویکرد آموزش در گذشته این بود که معلمان سؤال مطرح کنند و دانش آموزان جواب دهند و یا دانش آموزان سؤال کنند و معلمان پاسخ دهند ولی امروزه تأکید بر این است که معلمان زمینه های مناسب تربیت دانش آموزان را فراهم نمایند و آنان را برای حل مسائل کمک کنند.

۳. مهارت ایجاد نشاط در کلاس درس

برای لذت بردن از یادگیری و ارتقاء کیفیت آن، باید فضای نشاط و طراوت بر

شیوه های توسعه آن ها باشند. در این فرایند، معلمان نقش ویژه ای دارند؛ آن ها باید این وظیفه خطیر را درک کنند و برای تحقق آن برنامه ریزی نمایند.

مهارت ها و صلاحیت های علمی و حرفه ای معلمان جهت مشاوره

معلم مهم ترین رکن نظام یاددهی - یادگیری و تربیت است و دانش، مهارت و توانایی های حرفه ای او می تواند تضمین کننده کیفیت آموزش و یادگیری باشد. معلمان به چه مهارت ها و صلاحیت هایی نیاز دارند؟

- درک صحیح و عمیق از ماهیت و اهداف درس موردنظر

- توانایی به کارگیری روش های فعال، مشارکتی و اکتشافی در یادگیری

- مهارت ایجاد سؤال در ذهن دانش آموز و آموزش روش های تحقیق و پژوهش

- توانایی ساماندهی فعالیت های گروهی در کلاس درس

- مهارت لازم در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی - تربیتی

- توانایی ارائه فعالیت ها و پروژه های تکالیف خارج از مدرسه

- مهارت ایجاد فرصت های یادگیری متنوع براساس علایق و توانایی های فراگیرندگان

- مهارت درگیر نمودن دانش آموز با فناوری های جدید (IT).

برای اینکه صلاحیت ها و توانایی های معلم بستر ساز یادگیری مؤثر و کارآمد باشد، او باید از فرایند یادگیری دانش آموزان شناخت کافی داشته باشد و به ویژه کارکرد مغز و فرایندهای آن را بشناسد. طبق آخرین یافته های فیزیولوژیکی، «مغز انسان یک جسم نیست بلکه یک فرایند است» و «دانستن و یادگیری

در رویکرد فرایندمحوری، مهارت‌های اساسی دانش‌آموزان مانند حل مسئله، خلاقیت، و تصمیم‌گیری رشد می‌کنند و فرایندهای ذهنی دانش‌آموزان ارتقا می‌یابند

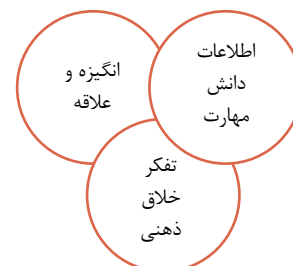
کارآمدی فرایند یاددهی - یادگیری باید به جای تمرکز بر فرآورده به فرایندها توجه نمود. در رویکرد فرایندمحوری، مهارت‌های اساسی دانش‌آموزان مانند حل مسئله خلاقیت، و تصمیم‌گیری رشد می‌کنند و فرایندهای ذهنی دانش‌آموزان ارتقا می‌یابند. آخرین یافته‌های علمی در خصوص مغز انسان، نشان می‌دهد که «مغز یک جسم نیست بلکه یک فرایند است» از طرف دیگر، آموزش هم یک فرایند است. بنابراین، معلمان باید در یک آموزش فرایندی، قدرت مغز دانش‌آموزان را افزایش دهند.

۶. توجه به فرایند خلاقیت و نوآوری در آموزش

برای ایجاد بستر خلاقیت در فرایند آموزشی سه عنصر مهم وجود دارد.

۱. اطلاعات، دانش و مهارت‌های لازم برای دانش‌آموزان؛

بدیهی است که دانش‌آموزان برای بروز خلاقیت به اطلاعات و مهارت‌هایی نیاز دارند



که در مفاهیم موجود در کتابهای درسی مهیا شده است.

۲. تنها اطلاعات و دانش نیست که در افراد خلاقیت ایجاد می‌کند بلکه عناصر دیگری، مانند انگیزه و علاقه و مواردی چون لذت یادگیری، شوق به کشف مفاهیم و انگیزه کافی برای تفکر درباره مفاهیم و مسائل از جمله عناصر ایجاد خلاقیت و نوآوری در آموزش می‌باشند.

بنابراین، معلمان باید برای انگیزه‌ها و علایق دانش‌آموزان اهمیت خاصی قائل شوند.

۳. زمانی فضا برای خلاقیت آماده می‌شود که در کنار دانش و انگیزه و علاقه، ذهنی فعال و سیال هم وجود داشته باشد و دانش‌آموزان براساس تمرین و تجربه فرایندی در ذهن، توانایی‌های مغزی خویش را توسعه دهند.

در نهایت، معلمان باید بدانند که صرفاً مسئول توسعه دانش و مفاهیم در فراگیرندگان نیستند بلکه در مورد علاقه‌مندسازی و رشد تفکر مغزی آنان نیز مسئولیت دارند.

سطوح مشاوره و راهنمایی (هامبلین ۱۹۹۳)

منتقدان در زمینه واگذاری نقش راهنمایی و مشاوره به معلمان، اعتقاد دارند که مشاوره یک کار تخصصی است و بنا بر این، جز شخص مشاور متخصص، کس دیگری نباید در این امر مداخله نماید. بنابراین، معلمان باید درس بدهند و مشاوران متخصص دانش‌آموزان را راهنمایی کنند. از نظر آنان، این دو فعالیت جدا از هم‌اند و نباید انتظار داشت که معلمان بتوانند انتظارات مشاوره‌ای را پاسخگو باشند.

برای تبیین موضوع فوق و دفاع از اینکه معلمان می‌توانند فعالیت مشاوره‌ای و راهنمایی

انجام دهند، سطوح مشاوره و راهنمایی را مطرح می‌کنیم و بحث را ادامه می‌دهیم.

۱. سطح یک: استفاده از مهارت‌های مشاوره و راهنمایی در کلاس به منظور فراهم نمودن محیط یادگیری بسامان و مثبت؛

در این سطح بیشتر، راهنمایی موردنظر است و معلمان می‌توانند مجموعه‌ای از مهارت‌های اساسی پایه را داشته باشند؛ مثل: مهارت در رشد اجتماعی افراد، رفع کم‌رویی فراگیرندگان، ارتقاء مهارت‌های کلامی و ...، افزایش اعتمادبه‌نفس و حس مسئولیت‌پذیری.

۲. سطح دوم: استفاده از مهارت‌های مشاوره‌ای توسط معلم ویژه؛ بعضی از معلمان بنابر تجارب و مطالعات خود می‌توانند بخشی از زمینه‌های راهنمایی و مشاوره را مساعد نمایند.

۳. سطح سوم: مشاوره و راهنمایی فردی و گروهی در سطح مدارس توسط یک مشاوره متخصص؛

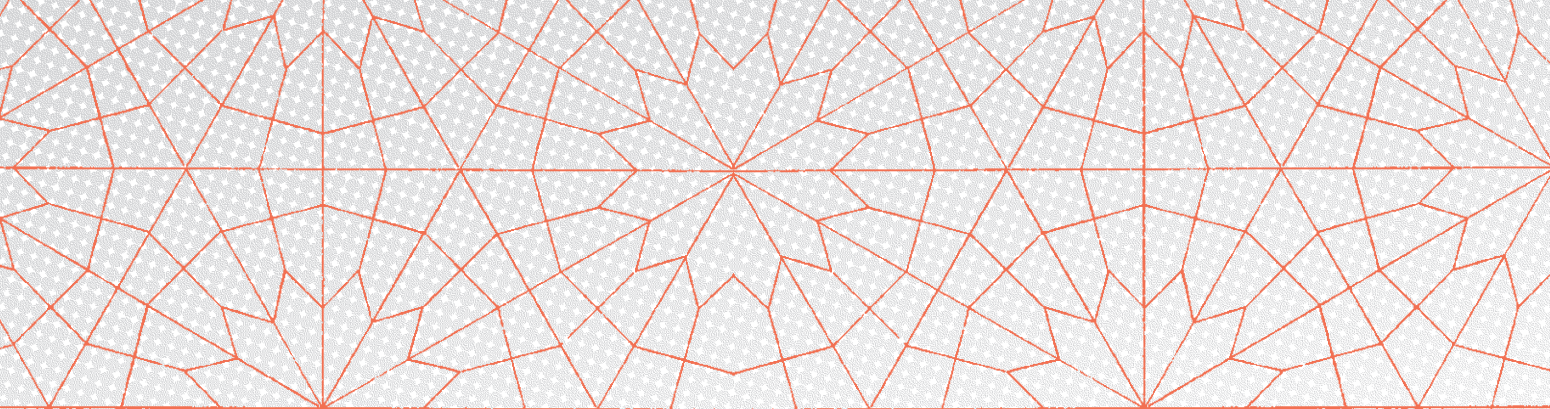
۴. سطح چهارم: ارجاع به روان‌شناس، روان‌پزشک و کلینیک‌های تخصصی.

بدیهی است که معلمان نمی‌توانند سطوح سوم و چهارم مشاوره را انجام دهند و مداخله در آن سطوح قابل قبول نخواهد بود ولی رویکردهای جدید از حضور فعالشان در سطوح یک و دو حمایت می‌کند. در عین حال، باید مراقبت نمود تا آنان بدون داشتن مهارت‌های مورد نیاز، به فعالیت‌های تخصصی نپردازند.

وظیفه معلمان در مراحل تخصصی فقط ارجاع به مشاور یا کلینیک‌های تخصصی است و نباید در این مرحله مداخله‌ای به‌جز این داشته باشند.

دلایل رد نظام موجود مشاوره و راهنمایی

در نظام موجود، صرف توجه به حضور یک پست مشاور در مدارس به دلایل مختلف



معلمان نمی توانند سطوح سوم و چهارم مشاوره را انجام دهند و مداخله در آن سطوح قابل قبول نخواهد بود ولی رویکردهای جدید از حضور فعالشان در سطوح یک و دو حمایت می کند. در عین حال، باید مراقبت نمود تا آنان بدون داشتن مهارت های مورد نیاز، به فعالیت های تخصصی نپردازند

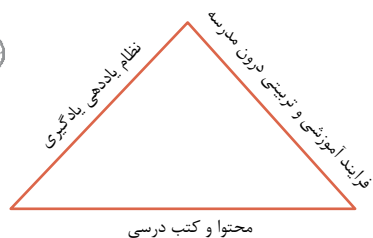


نمی تواند پاسخگوی نیازها در مدارس باشد.

۱. به سبب پایین بودن شاخص تعداد مشاور به دانش آموز، امکان مشاهده رفتار دانش آموزان و به دست آوردن شناخت کافی از آن ها وجود ندارد. بدیهی است که شناخت وضع موجود فرد، مقدمه هر اقدامی برای مشاوره با او خواهد بود.
۲. فرصت های مناسب و بسترهای کافی برای پیشگیری، در قلمرو معلمان است نه مشاور؛ برای مثال، معلمان می توانند در کلاس درس با اقداماتی زمینه بروز مشکل را کاهش دهند.
۳. کافی نبودن تخصص مشاوران برای اقدامات و خدمات مشاوره ای؛
۴. نبود تعداد مشاوره مورد نیاز در مدارس؛ به ویژه اینکه در مدارس ابتدایی و راهنمایی فرد مشاور وجود ندارد.

برای ایجاد بستری پایدار و مؤثر در فرایند مشاوره و راهنمایی مدارس، باید در سه مورد اهتمام جدی شود. ارتقاء امر فوق را در اتحاد این سه مسئله می توان جست و جو کرد.

در واقع، تمام فرایندها و اقدامات آموزشی و تربیتی باید رنگ و بوی راهنمایی و مشاوره داشته باشند. اگر راهبرد اصلی آموزش هدایت و راهنمایی باشد، از بخش عمده ای



از مسائل پیشگیری خواهد شد.

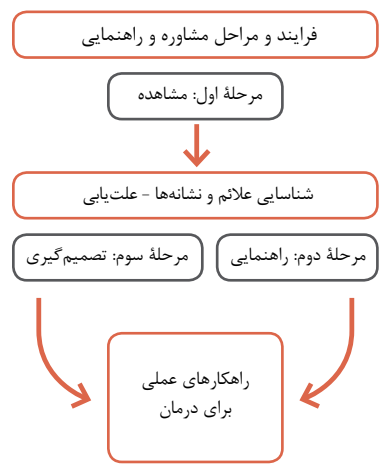
راهبردهای بهبود فرایند راهنمایی و مشاوره

الف: محتوای آموزشی و کتب درسی

مهم ترین و اصلی ترین بستر برای راهنمایی

سطوح چهار گانه راهنمایی و مشاوره: (هاپلین - لنگ - ۱۹۹۳)

سطح راهنمایی	چه کسی	سطوح مشاوره	چه کسی
۱. آشنا نمودن فراگیران برای تصمیم گیری های فردی - تربیتی، تحصیلی و شغلی	معلم	فرایم نمودن محیط یادگیری مثبت	معلم
۲. ارائه راهنمایی مستقیم به صورت فردی	معلم ویژه، مربی، مدیر	مشاوره برای مسائل غیر تخصصی	معلم ویژه و مربی ارشد
۳. راهنمایی فردی و گروهی	متخصص	مشاوره فردی و گروه	مشاور متخصص
۴. فرایندهای ارجاعی	نهادها و مراکز تخصصی	فرایندهای ارجاعی	کلینیک یا پزشک



زمان کافی برای بررسی، شناخت و هدایت آن‌ها خواهند داشت.

۲. ارتقاء مهارت‌های ارتباطی فراگیرندگان

یکی از هدف‌های اصلی تدریس و فرایند آموزشی، ارتقاء تعامل و روابط بین فردی دانش‌آموزان است. در این صورت، بسیاری از مشکلات روحی-روانی و اختلالات رفتاری برطرف می‌شوند و در چنین فضایی، یادگیری از همدیگر و الگو قرار دادن رفتارهای مطلوب فراگیرندگان میسر خواهد شد.

ج: فرایندهای درونی مدرسه

نباید انتظار داشت که فردی با عنوان مشاور، از طریق یک ارتباط رسمی دوجانبه، مشکلات فراگیرندگان را حل کند. همه فرایندها و فضای مدرسه باید آمادگی لازم برای ایجاد بستری بسامان را داشته باشند. قطعاً در محیطی پرتلاطم و ناپایدار نمی‌توان روح و روان دانش‌آموزان را هدایت کرد.

مواردی که در فرایندهای آموزشی و پرورشی و فضای مدارس باید ملاحظه شود:

۱. طراوت و شادابی
۲. رغبت و انگیزه فراگیرندگان
۳. مدیریت مشارکتی در مدارس
۴. اعتماد به نفس
۵. احساس مالکیت و تعلق
۶. نظام و سیستم ارجاع
۷. نشست‌های علمی دانش‌آموزان
۸. شورای معلمان و دانش‌آموزان
۹. ارتباط مؤثر اولیا و مدرسه.

منابع

۱. اصغری‌پور، حمید؛ فضلی‌خانی، منوچهر. (۱۳۸۳). مشاوره با دانش‌آموزان در مدارس. ضریح آفتاب.
۲. دفتر آموزش و پرورش متوسطه اول. (۱۳۸۶). احیای نقش راهنمایی مشاورهای معلمان.
۳. دفتر آموزش و پرورش متوسطه اول. (۱۳۸۵). مجموعه مقالات و تجارب راهنمایی - مشاورهای معلمان.
۴. دینک میر، دان؛ کارلسون، جان. (۱۳۸۳). مشاوره و راهنمایی در مدارس. ترجمه: گروه مترجمان.

و مشاوره باید در کتب درسی و منابع آموزشی فراهم شود و این منابع زمینه لازم برای پیشگیری و ارتقاء مهارت‌های پایه و اساسی را ایجاد کند.

محتوا چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

۱. مسئله‌محوری و پژوهش‌مداری: اگر محتوای آموزشی و کتب درسی چنین ویژگی‌ای داشته باشند، دانش‌آموزان باید جست‌وجوگر باشند و لذا تلاش فکری و عملی کنند. در این صورت، آن‌ها نیازمند راهنمایی و هدایت خواهند بود و در حین انجام دادن پروژه و پژوهش، قابلیت‌های مختلفشان رشد پیدا می‌کند؛ در حالی که در یک کتاب درسی محتوا محور و حافظه‌مدار، چنین وضعیتی حاصل نمی‌شود.

۲. تأکید بر مهارت‌های زندگی در کتب درسی: اگر محتوای آموزشی براساس مهارت‌های زندگی تدوین شود، دانش‌آموزان به سمت ارتقاء مهارت‌های زندگی حرکت می‌کنند و در نتیجه، به صلاحیت‌هایی چون حل مسئله، تصمیم‌گیری و خلاقیت دست می‌یابند. بخش عمده‌ای از مهارت‌های فوق، رشد شخصی فراگیرندگان و در نتیجه کاهش مشکلات رفتاری را در پی خواهد داشت.

۳. مشارکت‌جویی در محتوا: محتوا باید زمینه را برای جلب مشارکت دانش‌آموزان فراهم سازد. در این صورت، فراگیرندگان به طور فعال در کلاس شرکت می‌کنند و در چنین فضایی امکان راهنمایی و هدایت به شکل بهتری وجود دارد.

۴. ویژگی‌های دیگری همچون علاقه‌مندی فراگیرندگان به محتوا، و فعالیت‌محوری و خلاقیت‌مداری محتوا.

ب: روش‌های یاددهی - یادگیری

یکی دیگر از فرایندهای مؤثر در ارتقاء راهنمایی و مشاوره دانش‌آموزان، نظام یاددهی - یادگیری است. در فرایند تدریس می‌توان قابلیت‌ها و علایق فراگیرندگان را شناسایی کرد و بر حسب نیاز، در حین تدریس آنان را راهنمایی و هدایت نمود.

ویژگی‌های نظام یاددهی-یادگیری متناسب برای راهنمایی و مشاوره

۱. روش‌های فعال، اکتشافی و مشارکتی:

بدیهی است که با رویکرد غیرفعال و یک‌سویه آموزش، فرصت هدایت و امکان شناخت نقایص واضح دانش‌آموزان فراهم نمی‌شود؛ زیرا معلم زمان کافی جز برای ارائه یک‌طرفه اطلاعات ندارد ولی در روش‌های فعال و مشارکتی دانش‌آموزان به صورت انفرادی و گروهی وارد بحث و گفتگو و کارهای عملی می‌شوند و معلمان